

مصیبتی به نام شرکت دولتی

نگاه دکتر علی‌اکبر نیکو اقبال، استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، به عملکرد شرکت‌های دولتی و راهکارهای اصلاح ساختارها



این عملکرد ضعیف از دو راه قابل حل است. یکی از راه‌ها، تغییر در شرایط برون‌بنگامی (عوامل انگیزش خارجی) و دیگری تغییر در شرایط درون‌بنگامی (عوامل انگیزش داخلی) است. در حالت اول، واگذاری، آزاد سازی، بهبود

فضای کسب و کار و ایجاد رقابت در صنایع، عامل خارجی تغییر شرایط یک شرکت دولتی را فراهم آورده و به بهبود عملکرد آن کمک می‌کند. طبیعی است که با این اقدام، برخی در نتیجه تغییر و تحول در یک سازمان یا شرکت دولتی متضرر می‌شوند و برخی سود می‌برند. زبان دیدگان که حتی ممکن است سیاستمداران باشند، ممکن است مقاومت‌هایی انجام دهند و یا اراده‌ای به صورت جمعی در قوای مرتبط مانند مجلس برای اصلاح وضع موجود وجود نداشته باشد. در مقطع فعلی تا زمانی که عملکرد شرکت‌های دولتی اصلاح نشده است، به صلاح نیست آنها را واگذار کرد. دو الگو در این زمینه وجود دارد. اولین الگو که الگوی موفق نبوده، الگوی شوروی سوسیالیستی سابق بود. در این کشور ظرف کمتر از ۵۰۰ روز در حدود ۲۷ هزار شرکت دولتی به بخش خصوصی واگذار شدند. اما این روند، محصول ناخالص داخلی را در این کشور تا حدود ۵۰ درصد کاهش داد.

الگوی دوم، الگوی چین است که روند ملایمی را نسبت به شوروی در پیش گرفت. در این روند، دولت چین بخشی از سهام شرکت‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کرد، اما مدیریت شرکت‌ها همچنان در دست دولت باقی ماند. همزمان، دولت چین موانع توسعه بخش خصوصی را برطرف کرد. نتیجه این اصلاحات، آن شد که محصول ناخالص داخلی چین در خلال ۲۲ سال گذشته، ۷ تا ۸ برابر شده و بخش خصوصی به شدت رشد کرده است.

الگویی که باید تغییر کند

مسئله دیگر در رابطه با خصوصی سازی شرکت‌های دولتی در کشور ما، کاهش درآمدهای شرکت‌های خصوصی شده در صورت عدم واگذاری پروژه‌های دولتی به بخش خصوصی است که این امر بخش خصوصی را وادار می‌کند هزینه‌های خود را کاهش دهد. در نتیجه، اخراج نیروی کار اولین اتفاقی است که بخش خصوصی به آن اقدام می‌کند. از طرفی، از آنجا که در کشور ما خصوصی سازی به معنای فروش شرکت دولتی است، دولت نمی‌تواند شرایط خود را به بخش خصوصی تحمیل کند. پس از فروپاشی آلمان شرقی، پیش شرط مسلط آن بود که بخش خصوصی آلمان غربی که مایل به خریداری شرکت‌های دولتی در آلمان شرقی بود، مجبور شد سرمایه‌گذاری‌های کافی برای توسعه صنایع عقب مانده آلمان شرقی صورت دهد و به علاوه، در صورت اخراج یک کارگر به علت عدم کارایی و شایستگی، باید نسبت به استخدام یک کارگر جدید با شرایط مناسب - اما به همان نسبت - اقدام نماید.

در کشور ما با فروش شرکت‌های دولتی، از یک طرف درآمدهای شرکت را قطع می‌کنیم و از طرف دیگر انتظار داریم نیروی کار اخراج نشود تا نرخ بیکاری بیش از این افزایش نیابد. ما در حال حاضر الگوی شوروی را در پیش گرفته‌ایم، در حالی که بهتر بود پیش از آغاز واگذاری‌ها به اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی دست می‌زدیم. ■

حدود هشتاد درصد فعالیت‌های تولیدی در کشور ما توسط دولت، شرکت‌های دولتی و شبه دولتی‌ها صورت می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های کلیدی شرکت‌های دولتی در سطح جهان آن است که شرکت‌های دولتی در استفاده از منابع، محدودیتی برای خود قایل نیستند. اما بخش خصوصی با هدف حداقل کردن هزینه‌ها در تولید و حداکثر سازی خروجی، درآمد و سود فعالیت می‌کند و لذا توان بالقوه بالایی برای سرمایه‌گذاری مجدد، توسعه و نو سازی دارا می‌باشد. در کشور ما شرکت‌های دولتی با عملکردی متفاوت و متنافر از بنگاه‌های خصوصی، بخش قابل توجهی از منابع را به خود اختصاص داده‌اند و لذا سهم اندکی به بخش خصوصی که نیازهای قابل توجهی از مردم را می‌تواند تأمین کند اختصاص یافته است.

شعار خصوصی سازی هم نتوانسته مشکل کشور را حل کند، چرا که ما بخش خصوصی قوی و مستقلی که توانایی اداره شرکت‌های دولتی را داشته باشد نداریم. قدرت رقابت هم در بخش خصوصی ما به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی از بین رفته است. امروزه شرکت‌هایی در دنیا موفقند که در راستای تجارت و نو سازی، بهبود کیفیت، کاهش هزینه‌ها و بهبود تکنولوژی عمل می‌کنند. نگاهی به اقتصاد چین نکات جالب توجهی را متذکر می‌شود. زیان مالی انباشته در این کشور بین ۲/۴ تا ۵/۳ درصد از کل محصول ناخالص داخلی (GDP) است. این رقم به دلیل بهره‌وری پایین شرکت‌های دولتی است که بخش قابل توجهی از اعتبارات را دریافت می‌کنند. دو سوم این شرکت‌ها زیان‌ده هستند و جبران زیان ناشی از بهره‌وری اندک آنان، اثرات منفی قابل توجهی را بر اقتصاد این کشور وارد آورده است. در ترکیه، زمانی ۷/۴ درصد GDP آن کشور استقراض و یا بدهی شرکت‌های دولتی بوده است. اما بالاخره شرکت‌های خصوصی در ترکیه نتوانستند عملکرد خود را در سایه اصلاحات اقتصادی توسط دولت بهبود بخشیده و حتی بر بخش دولتی هم اثر بگذارند.

ایران، چهره‌ای متفاوت

در کشور ما سهم شرکت‌های دولتی از کل بدهی‌ها و کسری بودجه دولت در حدود سه چهارم است و این در حالی است که منابع تأمین مالی کسری بودجه در کشور ما نفت و درآمدهای ناشی از آن هستند. اگر درآمدهای باد آورده نفتی نبودند، الان رقم کسری بودجه با توجه به هزینه‌های بالای دولت رقم وحشتناک تری بود. به علاوه، در بحث سرمایه‌گذاری درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت هم چندان موفق عمل نکرده‌ایم. در ایران، صنایعی مورد حمایت دولت قرار دارند که توانایی ایستادگی و مقاومت را بدون حمایت دولت ندارند. البته اگر شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واگذار شوند، مشکل بدهی‌ها و کسری بودجه دولت تا حدودی مرتفع می‌شود. در حال حاضر، بخش خصوصی استقبال چندانی از شرکت‌های دولتی نشان نمی‌دهد، چرا که اگر چه شرکت‌های دولتی واگذار شده‌اند، اما هنوز مدیریتشان به صورت انحصاری در اختیار دولت است. در کشور ما اگر چه چیزی در حدود سه چهارم مالکیت دولت می‌تواند خصوصی شود، اما اتفاق جدیدی که می‌افتد آن است که سازمان‌هایی قوی یا انحصارات بزرگی در کشور ما پا می‌گیرند و انحصار خصوصی را که بلتر از انحصار دولتی است پایه ریزی می‌کنند. در نتیجه، افزایش قیمت‌ها در شرایط عدم وجود رقابت در بخش خصوصی به شگردی برای کسب سود تبدیل می‌شود و جای خلاقیت را در بهبود روش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های جدید می‌گیرد. حال این نکته قابل توجه است که میزان کارایی در این نوع انحصارات، تفاوت چندانی با انحصار دولتی ندارد. در کشور ما برآورد می‌شود زیان شرکت‌های دولتی در حدود ۵ تا ۱۲ درصد GDP باشد.